

# ترجمه‌های عبری قرآن کریم

## اهداف سیاسی و دینی

احمد الشحات هیکل<sup>۱</sup>

### ◆ اشاره

محتمل‌ترین حالت در ترجمه قرآن کریم به زبان عبری دست بردن در مفاهیم بلند قرآن و تفسیر و تأویل آن به گونه‌ای دلخواه یهودیان است، اما حالت‌های دیگری برای عینیت بخشیدن به ماهیت یهودیان به ویژه در مورد قرآن وجود دارد. در واقع تحریف‌گری را می‌توان به اشکال دیگری از سوی یهودیان نیز در مورد قرآن شاهد بود و آن چاپ قرآن به زبان عبری و تغییر برخی واژه‌ها و کلمات به گونه‌ای که معنای کاملاً متفاوتی به دست دهد. از جمله این اقدامات چاپ قرآن به زبان عبری در سال ۱۹۶۸ توسط اسرائیل است که البته چاپ آن در آلمان غربی صورت گرفته بود و در چند کشور عربی و کشورهای مالزی، لبنان، پاکستان، هند، اندونزی، غنا، ساحل عاج، ایران و... توزیع شده بود. دو نمونه از

---

۱. استاد مطالعات عبری دانشگاه منوفیه.

تحریفات و تعدی صهیونیست‌ها به این کتاب عزیز و شریف بدین گونه است:<sup>۱</sup>

آیه ۸۵ از سوره آل عمران:

و من یتبع غیر الاسلام دینا، فلن یقبل منه: هر کس غیر از اسلام دینی اختیار کند، هرگز از وی پذیرفته نیست.

در نسخه چاپ شده اسرائیلی آمده است:

و من یتبع غیر الاسلام دینا، یقبل منه: هر کس به جز اسلام دینی را اختیار کند از او پذیرفته می‌شود. و یا در آیه ۶۴ از سوره مائده آمده است:

و قالت الیهود یدالله مغلوله، غلت ایدیهم و لعنوا بما قالوا: یهود گفتند دست خدا بسته است. دستشان بسته باد و لعنت بر آنها به خاطر آنچه گفتند.

در نسخه چاپ شده اسرائیلی به جای «لعنوا» به معنای لعنت بر آنها، «آمنوا» به معنای ایمان آوردند، آمده است و معنای آیه چنین می‌شود: یهودیان گفتند دست خدا بسته است، دستشان بسته باد. آنها به آنچه گفتند ایمان آوردند.



\*\*\*

شرق‌شناسی غربی، ابتدا مطالعه پیرامون زبان عربی و اسلام را آغاز و سپس با توسعه استعمار غربی در مشرق‌زمین، به بررسی کلیه ادیان، عقاید، عادات، تمدن‌ها، جغرافیا و زبان‌های مربوط به این سامان اقدام نمود. اما باید گفت که اسلام، ادبیات عرب و تمدن اسلامی از مهم‌ترین مطالب مورد توجه شرق‌شناسان قدیم و جدید بوده و هست، آن هم به منظور تحقق اهداف دینی و سیاسی استعماری، نه چیز دیگر.

شرق‌شناسی در پس پژوهش‌ها و بحث‌ها با اجمال‌گویی، سعی در مشوه جلوه دادن چهره اسلام داشته و با پنهان نمودن نشانه‌های آشکار دین و نازیبا نمایاندن زیبایی‌هایش و تحریف

۱. برای اطلاعات بیشتر ر ک: فرهنگ و زبان اثر استاد شمس‌الدین رحمانی، برگ، ۱۳۶۸.

حقایقش، اسلام را به دنیا این‌گونه معرفی می‌کند که از شریعت‌های کهن گرفته شده و دارای تناقض‌گویی است.

شرق‌شناسی همچنین به دنبال ایجاد شک و شبهه نزد مسلمانان نسبت به دین خود است، این موضوع از طریق اشاعه شبهات پیرامون آن و همچنین پیرامون پیامبر اسلام (ص) و تأکید بر معرفی مسلمانان به عنوان دشمن انسانیت و منبع شر و شرارت دنبال می‌شود.

همچنین شرق‌شناسی از تلاش خود به منظور تضعیف ارزش‌های اسلامی و تحقیر آنها فروگذاری نمی‌کند و در مقابل به دنبال تعمیق ارزش‌ها و اصول مخرب غربی و تمجید از آنها است. اهداف دیگری نیز در این راستا در نظر شرق‌شناسی می‌باشد.

بی‌شک قرآن یکی از تجلی‌گاه‌ها و صحنه‌های اصلی حمله شرق‌شناسی به شمار می‌رود. ایجاد شک و تردید نسبت به صحت و سقم و مصداقیت قرآن و اینکه حضرت محمد (ص) احکام و محتوای آن را از تورات و انجیل برگرفته و ایرادهای دیگر، نمونه‌هایی از این تلاش‌ها بودند که توسط شرق‌شناسانی نظیر برنارد لویس، جاک بیرک، برگر، فنسنک، گلد زیهر<sup>۱</sup> و نولدکه دنبال می‌شد. این موضوع با هدف دور کردن مسلمانان از توجه به مهم‌ترین محور وحدت آنان انجام می‌گرفت تا باعث از هم گسیختگی و ایجاد درگیری‌های قومی و دیدگاه‌های لائیک غربی میان مسلمانان و در نتیجه جدایی و ضعف میان آنان شود و تسلط بر آنها برای غربی‌ها آسان‌تر گردد. با این هدف شرق‌شناسان توجه و اهتمام فراوانی نسبت به ترجمه قرآن از خود نشان می‌دادند.

در این مبحث فقط ترجمه‌های عبری قرآن کریم، که توسط شرق‌شناسان یهودی در طول قرن‌های متمادی انجام شده، مورد توجه قرار می‌گیرد.

۱. استاد محمد غزالی مصری کتابی تحت عنوان محاکمه گلد زیهر صهیونیست نوشته است که آقای صدر بلاغی در سال ۱۳۶۳ آن را ترجمه کرده و در حسینیه ارشاد به چاپ رسیده است. در واقع این کتاب به دنبال انتشار اثری از گلد زیهر منتشر شد که در ایران تحت عنوان *درس‌هایی درباره اسلام با تیراژی محدود منتشر شد*. این اثر را دکتر علی‌نقی منزوی ترجمه کرده و ناشر آن کمانگیر و سال نشر آن ۱۳۵۷ بوده است.

بر همه روشن است که متن قرآن به لحاظ برخورداری از ویژگی‌های ادبی منحصر به فرد می‌باشد. بنابراین ترجمه قرآن به دلیل معجزه بلاغت قرآن غیر ممکن است. خانم دکتر لیلی عبدالرزاق عثمان، رئیس بخش زبان انگلیسی و ترجمه هم‌زمان دانشگاه الازهر، در تحقیق خود پیرامون ترجمه معانی قرآن کریم و ایرادهای آن تأکید می‌نماید که ترجمه معانی قرآن کریم به زبان‌های دیگر با همان دقتی که قرآن کریم در عربی دارد امکان‌پذیر نیست. وی اشاره می‌نماید که شاید ترجمه واژه‌های قرآن به صورت تحت‌اللفظی امکان‌پذیر باشد، اما ترجمه واژه‌های مذکور به لحاظ ماهوی و معانی واقعی آن از اسرار لغوی و بلاغی قرآن کریم به شمار می‌آید. تحقیق مذکور تأکید دارد که مترجم، زمانی می‌تواند معانی قرآن را به بهترین نحو انتقال دهد که با شرایط نزول قرآن و اسباب و دلایل نزول آیات آشنایی کامل داشته باشد، همچنین باید

بر ویژگی‌های بلاغی و بیانی زبان عربی تسلط کامل داشته باشد تا بتواند با دقت و امانتداری کامل بدون هیچ‌گونه کم و کاستی یا تغییر معانی، آن را ترجمه نماید.<sup>۱</sup>

دکتر مصطفی اشکعه - عضو مجمع مطالعات اسلامی - ضمن تأکید بر مطلب مذکور می‌نویسد:

تفسیر و فهم کامل معانی قرآن کریم، نیازمند درک کاملی از ادبیات زبان عربی و مطالعه تاریخ اسلام



شرق‌شناسی به دنبال ایجاد شک و شبهه نزد مسلمانان نسبت به دین خود است، این موضوع از طریق اشاعه شبهات پیرامون آن و همچنین پیرامون پیامبر اسلام(ص) و تأکید بر معرفی مسلمانان به عنوان دشمن انسانیت و منبع شر و شرارت دنبال می‌شود.



۱. ایرادهای ترجمه قرآن کریم،

و ترتیب وقایع آن، و تسلط بر سیره پیامبر(ص) می‌باشد. همچنین مفسر باید ایمان کامل به خداوند داشته و از عقل خود جانبداری نکند و در مقابل متن قرآن، عقل خود را بزرگ نشمارد.

این امر در بسیاری از شرق‌شناسان غربی، به ویژه یهودی‌ها به چشم نمی‌خورد.

### ◆ شرق‌شناسان یهودی

ملاحظه می‌شود که هویت بسیاری از شرق‌شناسان یهودی به سادگی قابل تشخیص نیست زیرا آنان خود را با هویت‌های دیگر معرفی می‌نمایند تا منزوی نگردند و از تأثیر آنان چیزی کم نگردد. بنابراین آنان به عنوان شرق‌شناسان اروپایی یا امریکایی فعالیت می‌نمایند.

از سرشناس‌ترین شرق‌شناسان قدیم یهود می‌توان از این افراد نام برد:

۱. گلد زیهر: (۱۸۵۰ - ۱۹۲۰ م): او یهودی و اهل مجارستان است. شرق‌شناسان وی را در رابطه با علوم اسلامی مانند حدیث، تفسیر و فقه مرجع اصلی می‌شمارند. از جمله کتاب‌های وی تاریخ تفسیر اسلامی، عقیده و شریعت می‌باشد. وی رهبر منحصر به فرد علوم اسلامی در اروپا به حساب می‌آید.

۲. غ. فون، گرونباوم: او یهودی و اهل آلمان است و در دانشگاه‌های امریکا تحصیل کرده است. از جمله کتاب‌های وی اعیاد محمدی، ۱۹۱۵ م و مطالعاتی در تاریخ فرهنگ اسلامی، ۱۹۵۴ م می‌باشد.

۳. ماکسیم ردونسون: شرق‌شناس یهودی، وی اهل فرانسه بود.<sup>۱</sup>

۴. منیر یعقوب کستر: که در علوم حدیث تخصص داشت.

۱. از وی دو اثر ذیل پیرامون موضوع فلسطین در ایران ترجمه شده است:

ماکسیم ردونسون، اعراب و اسرائیل، ترجمه رضا براهنی، خوارزمی، ۱۳۴۸.

ماکسیم ردونسون و ایژاک دویچر، درباره فلسطین، ترجمه منوچهر هزارخانی، رواق، ۱۳۵۷.

۵. ژوزف هالوی: (۱۸۲۷ — ۱۹۱۷م)

وی یهودی‌الاصل و فرانسوی بود، با ظاهر یک گدای یهودی وارد یمن شد و به نجران رسید سپس در بالای جوف (منطقه‌ای که معینی‌ها در گذشته دور در آن اقامت داشتند) مسافرت کرد تا اینکه به مرز مأرب رسید. او در این سیر و سفر تعداد ۶۸۶ نسخه خطی قدیمی جمع‌آوری نمود که ترجمه آنها به زبان فرانسوی در سال ۱۸۷۴ صورت گرفت. درباره آنها شرح‌های کاملی نیز نوشته شده است.<sup>۱</sup>

۶. سالومون (شلومو) مُنک (۱۸۰۳ —

اخیرا در اسرائیل جنبشی در خصوص شرق‌شناسی در دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی به وجود آمده است، دانشگاه‌هایی مانند دانشگاه عبری، دانشگاه تل‌آویو، دانشگاه حیفا، دانشگاه بارایلان و دیگر مراکز تحقیقاتی اسرائیل که بزرگ‌ترین شرق‌شناسان یهودی جهان در آن فعالیت دارند.

۱۸۶۷ م): او در آلمان متولد و در فرانسه مشهور شد و تا هنگام مرگ در فرانسه ماند. کتاب *دلالة الحائرین* موسی بن میمون را به زبان عربی با حروف عبری منتشر نمود. او همچنین کتاب مذکور را به فرانسوی ترجمه کرد. وی مطالبی هم در خصوص فارابی، غزالی، ابن رشد، ابن سینا و کندی به زبان فرانسه نوشت. شرحی نیز بر کتاب‌های دست‌نوشته فینیقی که در سواحل شامات کشف شده نوشته است.

۱. استفاده از کسوت گدایی ظاهرا رویه‌ای مرسوم به ویژه از سوی شرق‌شناسان یهودی جهت نفوذ به مجامع و ممالک مختلف بوده است. در تاریخ آمده است آرمینیوس وامبری یکی از چند یهودی شرق‌شناس معروف بوده است که ناسیونالیسم ترک را علیه امپراطوری عثمانی بنیان گذاشته است. وی هم‌زمان در دربار عثمانی رفت و آمد داشته و در عین حال از دوستان تنوذر هرتزل بوده است. وی به ایران نیز سفر کرده و حتی داستان مسافرت وی به ممالک شرقی از جمله ایران و آسیای میانه با همان کسوت گدایی در قالب کتابی با عنوان *سیاحت درویشی دروغین در خانات آسیای میانه* به زبان فارسی ترجمه و منتشر شده است.

از سرشناس‌ترین شرق‌شناسان یهودی معاصر:

۱. روزنتال: که توجه خاصی به مطالعه در خصوص دوران اندلس و توجه کلی نسبت به فرهنگ اسلامی و همچنین تاریخ اسلام داشته است.
۲. سییس: وی استاد زبان‌های سامی دانشگاه پنسیلوانیا و مدیر مدرسه امریکایی مطالعات شرق در بغداد و رئیس بخش شرق دور در قسمت تحقیق و بررسی دفتر سازمان‌های نظامی بود.
۳. چارلز توری و هری ولفسون: که به فلسفه اسلامی، نوشته‌های ابن سینا، غزالی و ابن رشد توجه وافری دارند.
۴. برنارد لویس: او یک یهودی است که در انگلستان به دنیا آمد و بزرگ شده امریکاست.<sup>۱</sup> اخیراً در اسرائیل جنبشی در خصوص شرق‌شناسی در دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی به وجود آمده است، دانشگاه‌هایی مانند دانشگاه عبری، دانشگاه تل‌آویو، دانشگاه حيفا، دانشگاه بارایلان و دیگر مراکز تحقیقاتی اسرائیل که بزرگ‌ترین شرق‌شناسان یهودی جهان در آن فعالیت دارند.

### ◆ قرآن کریم و ترجمه‌های عبری آن

یهودیان قرون وسطی در دوره امپراطوری عثمانی اقدام به ترجمه برخی آیات قرآن کریم به منظور استفاده از آنها در بعضی از بحث‌های دینی نمودند. به طور کلی شناخت یهود از قرآن کریم، بیشتر از تألیفات فلسفی و دینی آنها یا ترجمه‌های عبری کتاب‌های جدلی پیرامون دین و فلسفه به ویژه تألیفات ابوحامد غزالی و ابن رشد - فیلسوف مسلمان - بوده که شامل بسیاری از آیات قرآنی نیز می‌شده است. با گذشت زمان، آنان اقدام به نوشتن قرآن کریم به طور کامل به زبان عربی اما با حروف عبری، همراه با به کارگیری علائم زبان عربی نمودند. این سبک

۱. برای اطلاعات بیشتر ر ک: برنارد لویس، *عراق‌الاداره/الامریکیه*، قدس، ش ۸۹، می ۲۰۰۶، ص ۴۳ - ۴۹.

نگارش بعدها به عنوان نگارش «عربی - یهودی» شناخته شد. نسخه خطی مذکور در حال حاضر در کتابخانه دانشگاه آکسفورد در لندن نگهداری می‌شود.

یهودیان اروپا از قرن شانزدهم و هفدهم میلادی، قرآن را به زبان عبری ترجمه کردند اما ترجمه مذکور از نسخه عبری قرآن کریم انجام نگرفته بود و همچنان به عنوان یک نسخه خطی

چاپ نشده باقی مانده است. در اواسط

قرن شانزدهم میلادی، قدیمی‌ترین تلاش

برای ترجمه قرآن کریم به زبان عبری

توسط یعقوب یسرائیل هالوی، خاخام

یهودی اهل سالونیک،<sup>۱</sup> صورت گرفت.

ترجمه عبری یاد شده حدوداً در سال

۱۵۴۷ م از یک ترجمه ایتالیایی که در

و نیز چاپ شده بود صورت گرفت. ترجمه

ایتالیایی مذکور نیز از یک ترجمه لاتین

برگردانده شده بود و تا کنون ترجمه

عبری آن که شامل سه بخش است چاپ

نشده و همچنان به صورت نسخه خطی

در سالن شرقی موزه انگلیس در لندن

نگهداری می‌شود.

هدف ریکندورف از ترجمه قرآن کریم، ارائه تصویری ناپسند و غلط از اسلام و ترویج اندیشه‌های نژادپرستانه می‌باشد. از آنجایی که ریکندورف کینه و نفرت خود را نسبت به اسلام در مقدمه ترجمه خود نشان داده، نباید از اینکه ترجمه وی به کلی با روح قرآن تعارض داشته باشد، شگفت‌زده شویم.

مترجم در مقدمه طولانی خود در دوازده فصل به داستان خلقت آدم و حوا و زندگی حضرت محمد(ص) و تاریخ انتشار اسلام در جزیره‌العرب و خارج از آن توجه کرده است. وی قدم در

۱. سالونیک از شهرهای فعلی یونان است ولی پیش از فروپاشی امپراطوری عثمانی محل تجمع یهودیان و یهودیان

به ظاهر مسلمان (دونمه) بوده است.



همان راهی گذاشته که مستشرقین می‌پیمایند و به این مطلب اشاره می‌کند که دین اسلام محصول ابداع و ساخته و پرداخته حضرت محمد(ص) بوده است و به همین دلیل در بخش زیادی از مقدمه خود به تأثیر دو دین یهودی و مسیحی بر اسلام<sup>۱</sup> می‌پردازد.

در سال ۱۸۵۷ م در شهر لایپزیک آلمان یک ترجمه عبری از قرآن کریم منتشر شد. ترجمه مذکور توسط آقای زوی حییم هرمان ریکندورف<sup>۲</sup> از متن عربی قرآن کریم تحت عنوان *المقراء و القرآن* برگردانده شد. مترجم در این ترجمه، عمداً از اصطلاحات و واژه‌های برگرفته از زبان تورات استفاده نمود به طوری که خواندن آن بسیار دشوار بود و با روح قرآن کریم مغایرت داشت، تا جایی که برخی وی را به بی‌دقتی در ترجمه متهم کردند.

ملاحظه می‌شود که مترجم به قداست و حرمت قرآن توجه نکرده بلکه حتی به لحاظ گفتاری و عملی قرآن را قبول نداشته است. این مطلب را از عنوان کتاب نیز می‌توان به دست آورد، زیرا وی بین کلمه عربی «القرآن» و واژه عبری «المقراء» که به متون قدیم اشاره دارد، مقایسه کرده است. همچنین بی‌توجهی وی را به جایگاه قرآن می‌توان از قرار دادن سوگنامه پدر خود در مقدمه کتاب به دست آورد.

ریکندورف در مقدمه خود اذعان داشته که از تلاش‌های شرق‌شناسان غربی پیشین نیز در ترجمه قرآن استفاده نموده است، وی موضع‌گیری‌های افراطی و اندیشه‌های انتقادی را از اسلام - که توسط بسیاری از شرق‌شناسان غربی قرون وسطی ارائه شده - تبیین کرده، که آثار خطرناکی بر نحوه تعامل وی با الفاظ قرآن کریم گذاشته است. این یک شیوه قدیمی شرق‌شناسی است که در آن، شرق‌شناس با داشتن افکار و اندیشه‌های مشخص، سعی در به دست آوردن مواردی برای اثبات آن اندیشه‌ها دارد و از طرفی با مواردی که با آن اندیشه تعارض دارد مخالفت می‌کند. مطلب فوق با آنچه ریکندورف در مقدمه خود آورده است، روشن

۱. ر ک: جمال الرفاعی، *دراسة فی مشکلات ترجمة معانی القرآن الکریم الی اللغة العربیة*، جامعه عین شمس، ص ۹۹.

۲. زوی حییم هرمان ریکندورف در سال ۱۸۲۵ در آلمان متولد شد، در سال ۱۸۷۵ م چشم از جهان فرو بست. او

استاد زبان‌های سامی دانشگاه هیدلبرگ آلمان بود.

می‌شود:

اکنون باید به خاطر آلوده کردن زبان مقدسمان به گفته‌های دروغ و بیهوده از طرف خداوند طلب مغفرت نماییم، هنگامی که خواننده به مطالعه احکام مقدس تورات و احکام قرآن می‌پردازد، یا داستان‌های زیبا و ادبی اسفار عهد قدیم را با موارد باطل که در قرآن آمده مقایسه می‌کند، معنای تقدس را درک می‌کند و می‌فهمد کدام پاک و طاهر و کدام نجس است... در این صورت جایگاه بالای عقیده ما را متوجه خواهد شد، زیرا ارزش خیر و حقیقت را با شناخت دروغ می‌توان درک کرد.

جمله‌های انتقادی مذکور که حاکی از کینه شدید مترجم نسبت به اسلام می‌باشد نشان

می‌دهد که هدف ریکندورف از ترجمه قرآن کریم، ارائه تصویری ناپسند و غلط از اسلام و ترویج اندیشه‌های نژادپرستانه می‌باشد. از آنجایی که ریکندورف کینه و نفرت خود را نسبت به اسلام در مقدمه ترجمه نشان داده است، نباید از اینکه ترجمه وی به کلی با روح قرآن تعارض داشته باشد، شگفت‌زده شویم.

ریکندورف، قرآن را نه بر اساس متن آن، بلکه مطابق روش شرق‌شناسی آلمان تقسیم‌بندی نمود. ترجمه وی حاشیه‌های بسیاری دارد که در آنها اشاره‌هایی از

اغلب ترجمه‌های عبری قرآن کریم دارای اهدافی مغایر با واقعیت می‌باشند، زیرا به طور عمد از متن اصلی و روح قرآن فاصله گرفته است. این مطلب دارای ابعادی است که از حدود امانت علمی و ترجمه تحت‌اللفظی و معانی معمولی فراتر رفته و بیشتر رنگ اهداف سیاسی به خود گرفته است.

برخی تفسیرهای اسلامی گنجانده شده است. همچنین نویسنده در حاشیه‌های مذکور قسمت‌هایی از منابع دینی یهود آورده است با این ادعا که بین آنها و برخی آیات قرآن تشابه

وجود دارد، تا بر گفته شرق‌شناسان غربی و یهودی مبنی بر اینکه قرآن از یهودیت و مسیحیت نقل شده است تأکید کند. بسیاری از منتقدین غربی و یهودی علاقه‌مند به مطالعات عربی و اسلامی، معتقدند که ترجمه قرآن ریکندورف فاقد محتوا است و اشتباهات زیادی در ترجمه و درک مطلب دارد.

در سال ۱۹۳۶ یوسف یوئیل ریفلین<sup>۱</sup> ترجمه خود را از قرآن کریم تحت عنوان القرآن به پایان رساند. چاپ دوم این ترجمه در سال ۱۹۶۳ م توسط مؤسسه چاپ و نشر دفیر در تل‌آویو منتشر شد. چاپ‌های سوم و چهارم نیز بین سال‌های ۱۹۷۲ و ۱۹۸۷ م منتشر شد و ترجمه آن به صورت دو جزء (جلد) انجام گرفت.

ترجمه مذکور، نسخه عبری قرآن کریم به شمار می‌آید که نزد عده بسیاری از محققین و دانشگاهیان علاقه‌مند به مطالعه در زمینه اسلام اعتبار زیادی دارد و مهم‌ترین مرحله تاریخ

۱. یوسف یوئیل ریفلین (۱۸۹۰ الی ۱۹۷۱ م) شرق‌شناس اسرائیلی در یک خانواده مقدس یهودی در قدس به دنیا آمد، آموزش‌های دینی و سنتی یهود را فرا گرفت تا اینکه از دانشکده تربیت معلم فارغ‌التحصیل شد. در سال ۱۹۱۷ م در دمشق پس از سربازی در ارتش ترکیه، دستگیر و روانه زندان شد. پس از آزادی در دمشق ماند و در مدرسه دخترانه عبری به عنوان مدیر مشغول به کار شد. در سال ۱۹۲۲ به قدس برگشت سپس به منظور آموزش زبان عربی و علوم قرآن در دانشگاه فرانکفورت به آلمان سفر کرد. در دوره مذکور، او شاگرد یوسف هورویتز، شرق‌شناس یهودی، بود دیدگاه انتقادی استاد، باعث ایجاد بار منفی در ترجمه‌های وی شد. در ترجمه زندگی و سیره حضرت پیامبر(ص) به زبان عبری، وی از تکید به اصل متن و دقت در آن خارج شده و در احادیث شریف مواردی را اضافه و حذف نمود. وی در آنجا مدرک دکترای خود را در رشته زبان عربی و مطالعات اسلامی دریافت نمود. در سال ۱۹۲۷ به عنوان استاد مرکز مطالعات شرقی وابسته به دانشگاه العبریه قدس [عبری اورشلیم] تعیین شد.

وی از سال ۱۹۳۰ تا ۱۹۴۱ رئیس انجمن اساتید عبری گردید؛ علاوه بر ترجمه قرآن کریم، کتاب هزار و یک شب را نیز ترجمه کرد. کتاب هزار و یک شب او از سال ۱۹۴۷ تا ۱۹۷۱، ۳۲ بار منتشر شد. همچنین وی کتاب سیره ابن هشام را در سال ۱۹۳۲ و سخنرانی یک شرق‌شناس یهودی آلمانی درباره اسلام و دهها قصیده عربی قدیم شامل اشعار عنتره بن شداد را ترجمه نموده است. در خور ذکر است که وی کاندیدای ریاست دولت اسرائیل در سال ۱۹۵۷ بوده است. وی پدر روئفین ریفلین - رئیس شانزدهمین کنست اسرائیل - می‌باشد.

شرق‌شناسی به حساب می‌آید. ترجمه مذکور ترجمه تحت‌اللفظی واژه‌ای به حساب می‌آید؛ زیرا مترجم تلاش می‌کند مقایسه‌ای بین ترکیب زبان عربی قرآن و زبان عبری آن به عمل آورد. همچنین وی سعی می‌کند تا حد امکان به سبک قرآن مقید باشد. حییم نحمان بیالک،<sup>۱</sup> شاعر سرشناس یهودی که روسی الاصل نیز می‌باشد، تأثیر مهمی در ویرایش ترجمه زبان عبری و واژه‌های آن داشته است.

با مطالعه ترجمه قرآن کریم که توسط ریفلین صورت گرفته و همچنین حاشیه‌های ضمیمه شده به ترجمه وی می‌توان دریافت که وی در مقایسه با شرق‌شناسان پیشین یهودی از تعصب کمتری برخوردار است و تلاش فراوانی در جهت نزدیک شدن به معانی قرآن کریم از خود نشان داده است.<sup>۲</sup> در سال ۱۹۷۱ م آهارون بن شیمش قرآن کریم را از نسخه عربی آن ترجمه و توسط مؤسسه انتشاراتی مسادا در راماتگان چاپ و منتشر کرد، سپس در سال ۱۹۷۸ م انتشارات کرنی در تل‌آویو تحت عنوان قرآن کتاب مقدس اسلام آن را چاپ و منتشر نمود.

ترجمه بن شیمش از سبک و سیاق متفاوتی برخوردار است، ترجمه مذکور را ترجمه آزاد می‌دانند زیرا به الفاظ به اندازه معانی توجه ندارد. بن شیمش به ترجمه آیات، بر حسب ترتیب مشخص آنها مقید نبود، بلکه معنی کلی هر پنج آیه را با هم در یک مجموعه ترجمه می‌نمود! بن شیمش در ترجمه خود از روش مقایسه بین متون یهودی، عربی و آرامی استفاده نمود. او همچنین ترجمه خود را با حاشیه‌های متعدد آراسته نمود به طوری که بخش‌هایی را از تورات و جمله‌هایی از مشنا و تلمود عرضه کرده است، زیرا وی معتقد بود که آنها با آنچه در قرآن کریم آمده شباهت دارد، اما این به معنی آن نیست که متن اصلی تورات (پیش از تحریف) با قرآن کریم از یک منبع سرچشمه گرفته باشد بلکه با این دید که قرآن از متون تورات و

۱. حییم نحمان بیالک: معروف به پدر شعر عبری نو می‌باشد. در سال ۱۸۷۳ در اوکراین متولد و در سال ۱۹۳۴ در تل‌آویو مرد و در همان‌جا به خاک سپرده شد.

۲. جمال الرفاعی، همان، ص ۱۰۵.

گفتار خاخام‌های یهودی برگرفته شده و مطالب تازه‌ای نداشته است. این ترجمه از ترجمه‌های رایج در میان مردم اسرائیل - که در زمینه اسلام و زبان عربی فصیح تخصص ندارند - به شمار می‌آید؛ زیرا زبان آن بر خلاف ترجمه قبلی ریفلین به زبان عبری معاصر می‌باشد.

در سال ۲۰۰۵ م آخرین ترجمه عبری قرآن توسط اوری روبین<sup>۱</sup> انجام گرفت. این ترجمه در چارچوب مجموعه جدیدی از مطالعات ادیان اسلامی به شمار می‌رود که زیر نظر افیاد کیلینبرگ، شرق‌شناس و مورخ یهودی، چاپ و منتشر گردید. این ترجمه بخش‌هایی برگزیده از نوشته‌های فارابی، ابن سینا، ابن رشد و جاحظ را نیز در این مجموعه قرار داده است.

روبین هدف از ترجمه مذکور را داشتن نسخه‌ای خواندنی از قرآن کریم - برای کسانی که آشنایی قبلی به زبان عربی ندارند - ذکر می‌کند. بنابراین دقت نموده که ترجمه‌اش به زبان عبری ساده باشد و

**تلاش یهودیان برای ترجمه و بررسی متون عربی اسلامی، از قرون وسطی تا زمان معاصر، علی‌رغم جنگ علنی که بر ضد اسلام و مسلمین آغاز کرده‌اند رنگ خطرناکی به خود گرفته است. در حالی که از سوی محققین عرب و مسلمان کوتاهی و قصور فراوانی در رابطه با کنکاش در مطالعات یهودی و عبری به ویژه در پاسخ به اتهام‌ها و بهتان‌ها به چشم می‌خورد.**

به همین دلیل در ذیل ترجمه، حاشیه‌هایی نوشته که در آنها واژه‌های جایگزین برای برخی الفاظ قرآنی - که به نظر وی نامفهوم می‌باشد - قرار داده است.

وی همچنین توضیحاتی از برخی ترجمه‌های غیر معروف مسلمانان ارائه داده است مانند

۱. اوری روبین، استاد زبان عربی و مطالعات اسلامی دانشگاه تل‌آویو و متخصص در تفسیر قرآن کریم است.

تفسیر بحر العلوم از ابواللیث سمرقندی و زاد المسیر فی علم التفسیر عبدالرحمان بن جوزی و تفسیر البیضاوی و تفسیر الجلالین اثر جلال‌الدین محلی و جلال‌الدین السیوطی. علاوه بر آن بین آیات قرآن و برخی متون تورات و انجیل نیز مقایسه‌هایی انجام داده است.

در ترجمه روبین برخی الفاظ به همان شکل خود استفاده شده است. مانند «الحنیفه و الحج» در صورتی که بعضی الفاظ را با معانی مخالف معنی اصلی ترجمه نموده است. مانند کلمه اسلام که علی‌رغم استفاده مترجمان به همان شکل به صورت «اعتراف و یا تسلیم شدن» ترجمه نموده است. همچنین کلمه «جهاد» را با «جنگ» هم‌معنی ترجمه کرده است. اما درباره اسامی پیامبران ملاحظه می‌شود که وی اسامی را همان‌گونه آورده است که در زبان عبری استفاده می‌شود. مانند کلمه ابراهیم که آن را «اوراهام» نوشته و کلمه موسی که «موشه» استعمال نموده است.

به این ترتیب مشخص می‌شود که اغلب ترجمه‌های عبری قرآن کریم دارای اهدافی مغایر با واقعیت می‌باشند، زیرا به طور عمد از متن اصلی و روح قرآن فاصله گرفته است. این مطلب دارای ابعادی است که از حدود امانت علمی و ترجمه تحت‌اللفظی و معانی معمولی فراتر رفته و بیشتر رنگ اهداف سیاسی به خود گرفته است.

بنابراین انتقاد و تخریب، یکی از ابعاد ترجمه‌های مذکور به شمار می‌آید، همچنین طرح شبهه نیز یکی دیگر از ابعاد این ترجمه‌هاست که میزان نفرت آنها به اسلام و پیامبر(ص) را نشان می‌دهد. تلاش یهودیان برای ترجمه و بررسی

---

ترجمه بن شیمش از سبک و سیاق متفاوتی برخوردار است، ترجمه مذکور را ترجمه آزاد می‌دانند زیرا به الفاظ به اندازه معانی توجه ندارد، بن شیمش به ترجمه آیات، بر حسب ترتیب مشخص آنها مقید نبود، بلکه معنی کلی هر پنج آیه را با هم در یک مجموعه ترجمه می‌نمود!

---

متون عربی اسلامی، از قرون وسطی تا زمان معاصر، علی‌رغم جنگ علنی که بر ضد اسلام و مسلمین آغاز کرده‌اند رنگ خطرناکی به خود گرفته است. در حالی که از سوی محققین عرب و مسلمان کوتاهی و قصور فراوانی در رابطه با کنکاش در مطالعات یهودی و عبری به ویژه در پاسخ به اتهام‌ها و بهتان‌ها به چشم می‌خورد. شاید علت اصلی آن این است که محققین یهودی در قالب مؤسسات تخصصی فعالیت می‌کنند که تمام نیازهای علمی و مادی آنها را تأمین می‌کند و تخصص‌های آنها را نیز هدایت می‌نماید در حالی که تلاش‌های محققین عرب شخصی می‌باشد و هزینه مادی و عدم فراغت از مشاغل روزانه آن را محدود می‌نماید. شاید درخواست تأسیس مراکز پژوهشی عربی - اسلامی با کادری توانمند و مطلع پیرامون مطالعات عربی و اسلامی و ادیان مقارن و زبان‌های بیگانه بیهوده نباشد تا بتوان در دفاع از اسلام و مقاومت در برابر حمله‌های کینه‌توزانه دشمنان به بهترین روش فعالیت نمود و در راستای انجام مطالعات پیشگیرانه گام‌های محکمی برداشت.